

## دلایل آزادی امریکا از انگلیس

دکتر غلام محمد دستگیر، برومفیلد، کلورادو

روز چهارم جولای ۱۷۷۶م روزیست که سیزده مستعمره ای انگلیس در خاک امریکا، پس از تحمل آسیب ها، غصب متکرر دارایی ها و نقض مداوم حقوق شان از سوی پادشاه وقت **King George III** یا جورج سوم اعلام استقلال کردند. پادشاه بریتانیا در تلاش بود تا استبداد مطلقه ای را بر ایالات این سرزمین تحمیل کند، و مردم با ارائه دلایل و اسناد متعدد، این ستم ها را به جهانیان منصف گوشزد نمودند:

۱- شاه از تایید قوانینی که به خیر و صلاح عمومی مردم ضروری و حیاتی بودند خود داری کرده است.

۲- پادشاه والیان خود را از تصویب قوانین فوری و مهم منع کرده است، مگر آنکه اجرای آن قوانین تا دریافت خود او به تعویق افتد؛ و پس از تعویق نیز آنرا نادیده گرفته است.

۳- شاه از تصویب سایر قوانین که برای سکونت نواحی پر جمعیت مردم کمک میکرد خود داری کرده، مگر آنکه آن مردم از حق نمایندگی در قوه ای مقننه (کانگرس) چشم پوشی کنند؛ یعنی در رای گیری شرکت نکنند. حقی که برای آن ها کدام ارزش مادی نداشت ولی برای مستبدان هراس آور بود.

۴- شاه مجالس قانونگذاری را در مکان های نامناسب، نا راحت کننده و دور از محل نگاه داری اسناد عمومی تشکیل میداد تا با خسته ساختن نمایندگان، آنها را وادار به اطاعت کند.

۵- شاه جلسه های "خانه نمایندگان" را بار ها منحل کرده است، زیرا تحمل ایستادگی و پافشاری نمایندگان در دفاع از حقوق مردم را نه داشت.

۶- شاه پس از انحلال مجالس قانونگذاری، مدت های طولانی از برگزاری انتخابات جدید امتناع ورزیده است (تا شخص دیگر عوض اجنت هایش انتخاب نشود)؛ تا مبادا مردم با رای خود نمایندگی تازه بر گزینند و قدرت قانونگذاری به آنان باز گردد. در عین زمان، ایالات سیزده گانه در معرض تهدید های خارجی و آشوب داخلی باقی مانده است.

۷- شاه کوشیده تا از افزایش جمعیت این ایالات جلوگیری کند؛ برای این مقصد به قوانین مربوط به تابعیت و مهاجرت موانع ایجاد میکرد، قوانینی که مهاجرت را به این سرزمین تشویق میکرد تایید نمی نمود و هم شرایط تصاحب یا تملیک زمین را سخت تر ساخت.

۸- شاه با تایید نکردن قوانین مربوط به تشکیل نظام قضایی، اجرای عدالت را محتل کرده است.

۹- شاه قضاوت را در دوام مدت مسئولیت مامورین در ادارات و چه مقدار معاش برای شان تادیه شود حق خود میدانست.

۱۰- شاه تعداد زیادی ادارات جدید تاسیس نموده است و گروه زیادی از مامورین را از بریتانیا

اعزام کرده است تا مردم ما را آزار دهند داد و دارایی شان را تلف کنند.

۱۱- شاه در زمان صلح، بدون رضائیت مجالس قانون گذاری ما، ارتش دایمی در میان ما برقرار ساخته است.

۱۲- شاه تلاش کرده که قوای نظامی را مستقل و برتر از قدرت غیر نظامی سازد.

۱۳- شاه با دیگران همدست شده تا ما را تحت سلطه بیگانگان که بر خلاف قانون اساسی و تایید ما بوده قرار دهد؛ و قوانین ساختگی آنها را نیز تایید کرده است از جمله:

شاه تعداد کثیری از سربازان مسلح را در میان ما جایگزین ساخت

شاه سربازان خود را در برابر محاکمه از مجازات قتل هایی ارتکابی علیه مردم حمایت میکرد.

شاه معاملات تجارتي را با سایر نقاط جهان قطع نمود

شاه بدون رضائیت مردم مالیات سنگین تحمیل کرده است.

شاه در بسیاری موارد ما را از محکمه توسط هیئت منصفه (محاکمه با ژوری) محروم ساخته است.

شاه ما را با اتهامات ساختگی برای محاکمه به ماورای دریا ها انتقال میدهد.

شاه لغو نظام آزاد قوانین انگلیسی را در ایالت همجوار، تاسیس حکومت خودکامه در آنجا، و گسترش مرز های آن به گونه ای که تبدیل به یک الگو برای تحمیل همین نوع حکومت استبدادی بر دیگر مستعمرات شود، اجازه داده است.

شاه لغو منشور ها، نابود ساختن قوانین بسیار ارزشمند ما، و تغییر اساسی ساختار های حکومتی ما را فرمان داده است.

شاه مجالس قانون گذاری خود ما را به تعلیق در آورده خود را قدرت کل دانسته انحصار قدرت قانون گذاری برای مردم و هم موارد دیگر را برای خود محفوظ نگاه کرده است.

۱۴- شاه درینجا (امریکا) حکومت را با اعلان اینکه دیگر ما در تحت حمایت او نیستیم علیه ما اعلان جنگ داده است.

۱۵- شاه دریا های ما را غارت کرده، سواحل ما را ویران ساخته، شهر های مان را به آتش کشیده و جان مردمان ما را نابود کرده است.

۱۶- شاه در حال حاضر لشکر های بزرگی از مزدوران بیگانه، را به اینجا انتقال داده تا

کار قتل، ویرانی و استبدادی که قبلا با قساوت و خیانت آغاز کرده، به انجام رسانند؛ قساوتی که در وحشیانه ترین دوران نیز بی سابقه بوده شایسته هیچ حاکم متمدن نمی باشد اجرا میدارد.

۱۷- شاه هم میهنان ما را که در دریا ها اسیر شده اند، وادار کرده تا علیه میهن خود سلاح برداشته بجنگند و دست به کشتار دوستان و خویشان خود بزنند، و یا خود را با دستان خود به سقوط کشانند.

۱۸- شاه در میان ما شورش داخلی برپا کرده و سعی کرده است تا باشندگان مناطق مرزی ما، بومیان را که "وحشی" و بیرحم خوانده شده اند تحریک نموده تا با روش جنگی نابودی بدون تبعیض تمام سنین، جنسیت ها و طبقات که دارند بر ما حمله برند.

در هر مرحله ای این ستم ها، ما با فروتنی داد خواهی برای احقاق حق خود نموده ایم؛ اما دادخواهی ما همواره با خشونت و بی اعتنایی پاسخ داده شده است. پادشاهی که چنین ویژگی ها دارد شایسته ای حکومت بر مردم آزاد نیست.

ما در توجه و احترام به برادران بریتانیایی خود نیز کوتاهی نکرده ایم. بارها و بارها ایشان را از مساعی قانون گذاران شان که بر ما حاکمیت ناموجه و نامشروع را روا میدارند هشدار داده ایم. به آنان با شرایط سختی که به این سر زمین مهاجرت کرده و مستقر شده ایم، خاطر نشان ساخته ایم. ما به عدالت و بزرگواری ذاتی شان امید بسته ایم، و از آنان، با یاد آوری روابط نزدیک از ایشان استمداد جسته ایم تا این غصب ها را توقف دهند و اگر ادامه یابند، پیوند ها و روابط ما را حتمی قطع خواهند کرد. و لاکن آن ها نیز به ندای عدالت و همخونی نا شنوا بوده اند. بنابراین ما باید به این ضرورت جدا شدن از همدیگر تن دهیم و آن ها را، همچون سایر ملل، در زمان جنگ دشمن و در زمان صلح دوست خواهیم دانست.

#### اعلام رسمی استقلال

ما، نمایندگان ایالات متحده امریکا، در کنگره ای عمومی گردهم جمع شده و تکیه بر داوری خدای بزرگ برای درستی نیات ما، به نام و نمایندگی از مردم نیک سرشت این مستعمرات، با قاطعیت بروز پنجشنبه چهارم جولای سال ۱۷۷۶م اعلام میداریم:

که این مستعمرات متحد، از این به بعد آزاد و مستقل هستند و همه پیوند های سیاسی میان ما و تاج بریتانیا را گسسته میدانند. ؛ و به عنوان ایالات آزاد و مستقل، دارای تمامی اختیاراتی هستند که دیگر دولت های مستقل داراست، از جمله: اعلان جنگ، بستن صلح، ایجاد همبستگی ها، گشودن روابط تجارتي و انجام هر عملی که یک کشور مستقل مجاز به انجام آنست. و برای حمایت از این اعلامیه، ما با توکل بر یاری پروردگار، متعهد میشویم که جان، دارایی و شرافت مقدس خود را فدای این عهد مشترک سازیم.

**محل امضای نمایندگان:** جورجیا (سه نفر)، نارت کارولینا (سه نفر)، سوت کارولینا (چهار نفر)، مسه چوستس (یک نفر)، ماریلند (چهار نفر)، ویرجینیا (هفت نفر)، پنسیلوانیا (نه نفر)، دیلوییر (سه نفر)، نیویارک (چهار نفر)، نیو جرسی، (پنج نفر) نیو همپشایر (دو نفر)، مسهچوسیتس (چهار نفر)، رود آیلیند (دو نفر)، کنیکتیکت (چهار نفر) و باز نیو همپشایر (یک نفر).

